

جهانی مبارزه با فقر به سال ۱۹۸۷ و گردهمایی حدود ۱۰۰ هزار نفری در میدان حقوق و آزادی بشر در میدان تروکادرو پاریس باز می گردد این گردهمایی به یاد قربانیان فقر، گرسنگی، خشونت و ارضاب و سرکوب صورت گرفت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ای در سال ۱۹۹۳ روز ۱۷ اکتبر را به عنوان روز جهانی ریشه کنی فقر به رسمیت شناخت و برگزار آن را به کشورهای عضو سازمان توصیه کرد. فعالان حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی گفته اند که هدف از برگزاری مراسم روز جهانی ریشه کنی فقر رساندن صدای محرومان به گوش جهانیان است.

در تاریخ، نام «ژوزف ریسینسکی» با روز جهانی فقرزدایی پیوند خورده است. تلاش های این فعال اجتماعی به عنوان بنیانگذار جنبش ATD FOURTH WORLD راه را برای نام گذاری این روز هموار کرد. نوشته ای که بر سنگ یادبود ریسینسکی حک شده به شعار کسانی تبدیل شده است که در سراسر جهان با فقر مبارزه می کنند: «هر کجا زنان و مردانی محکوم به زندگی در فقر شدید باشند، به معنای نقض حقوق بشر است.»

فقر و آسیب های آن
فقر، فقدان یا حرمانی است که

مست عشق در بلا تکلیفی

سرنوشت نامعلوم شمس و مولانای حسن فتحی



سال گذشته بود که فیلم سینمایی «مست عشق» در ترکیه جلوی دوربین رفت. حضور شهاب حسینی و پارسا پیروزفر در نقش شمس و مولانا بازیگران سرشناس ترکیه ای در کنار آن ها فیلم حسن فتحی را به یکی از کنجکاوی های سینمای ایران تبدیل کرد اما با گذشت ۷ ماه از سال ۹۹ هنوز سرنوشت این فیلم مشخص نیست. خرداد امسال گزارشی درباره پایان نیافتن این فیلم و نیمه کاره بودن آن منتشر شد. خبری که بلافاصله تهیه کننده «مست عشق» به آن واکنش نشان داد و وعده داد با فیلمبرداری چند سکانس باقی مانده این فیلم تا پایان تابستان آماده نمایش می شود. با این وجود حالا سهراب پیروانری سازنده موسیقی این فیلم از نیمه کاره ماندن فیلم حسن فتحی خبر داده و اعلام کرد این فیلم رها شده و به مرحله پایانی نرسیده است. هنوز مشخص نیست دلیل اصلی متوقف شدن تولید «مست عشق» چیست. آن گونه که فرهاد توحیدی فیلم نامه نویس این فیلم گفته بود، قرار بر این بود که با استفاده از شکست زمان البته به شکل گزینشی مقاطع مختلفی از زندگی مولانا و شمس تصویر شود. جذابیت این فیلم علاوه بر موضوعی که روی آن دست گذاشته شده، انتخاب شهاب حسینی بازیگر پر طرفدار در نقش شمس تیریزی و پارسا پیروزفر بازیگر بی حاشیه در نقش مولاناست.

کارگرانی که در بخش های خرد فروشی تهیه غذا و فروشگاه های تحویل غذا و مواد غذایی کار می کنند، نقش مهمی در تامین امنیت غذایی مردم جامعه و به خصوص در دوره کرونا دارند. آن ها در طول دوره کرونا هر روز در حال ارائه خدمات و نقل و انتقال مواد غذایی در بخش های مختلف، از مراکز تولید تا مراکز توزیع و حتی تحویل غذاها به درب منازل هستند. از سوی دیگر این کارگران به دلیل ازدیاد رفت و آمد در شهر، سروکار داشتن با مردم و مشتریان، مراجعه به درب منازل و ساختمان های مختلف شدیداً در معرض ویروس کرونا هستند. با این حال و با گذشت بیش از هشت ماه از ورود و همه گیری کرونا در کشور، این کارگران بی هیچ برنامه خاصی نه فقط مخاطرات کرونایی را از سر می گذارند بلکه فشار دستمزدی و معیشتی هم بر دوش آن ها سنگینی می کند.

دستمزد ناچیز
کارگرانی که در بخش های تحویل مواد غذایی و فروشگاه ها کار می کنند، غالباً دستمزد بسیار ناچیزی دارند. آن ها غالباً با دستمزد حداقلی یا زیر حداقل دستمزد در این مشاغل به کار مشغول اند. در سالهای اخیر و با گسترش بخش مصرفی در اقتصاد کشور، افزایش شمار سهراب سپهری در نامه ای به احمد رضا احمدی نوشته است: «ایران مادرهای خوب دارد و غذاهای خوشمزه و روشنفکران بد و دشت های دلپذیر». در این نامه منتشر شده در صفحه احمد رضا احمدی (که زیر نظر دختر این شاعر اداره می شود) می خوانیم: «احمد رضا عزیز، تنبلی هم حدی دارد. این را می دانم ولی باور کن فکر تو هستم و سپاسگزار نامه هایت. من به شدت در این شهر مانده ام. آن هم در این شهر بی پرده و نا درخت. هنوز صدای پریده نشینان (چون پرند نیست، صدایش هم نیست). در همان امیر آباد خودمان توی هر درخت زارون یک خوراک جیک بود. نیویورک و جیک جیک» توقعی ندارم. من فقط هستم، و گاهی در این شهر گولاش می خورم. مثل این که تو دوست داشتی و برایت جانشین قورمه سبزی بودی. الهام گولاش کمتر است. غصه نباید خورد. گولاش باید خورد و راه رفت، و نگاه کرد به چیزهای سر راه. مثل بچه های دبستانی، که ضحاکت زندگی شان بیشتر است. می دانی باید رفت به طرف و یا شروع کرد به... من گاهی شروع می کنم ولی همیشه نمی شود.

هنوز صدای اطایم را شروع نکرده ام. وقت می خواهد. عمر نوح هم بدک نیست. ولی باید قانع بود و من هستم. مثلاً یک چهارم قارقار کلاغ برای من بس است. یاد هست به یکی نوشتم: چهار سوم قناری را می شنوم. می بینی، قانع تر شده ام. راست است که حجم قارقار بیشتر است، ولی در عوض خاصیت آن کمتر است. مادرم می گفت قارقار برای بعضی از دردها خاصیت دارد. من روزها نقاشی می کنم. هنوز روی دیوارهای دنیایم تابلو جا هست. پس تندتر کار کنیم. باید کار کرد ولی نباید دود چراغ خورد. اینجا دودهای زبرتر و خالص تری هست. دودهای بادام و آب نرود. در کوچه که راه می روی، گاه یک تکه دود صمیمانه روی شانه ات می نشیند و این تنها ملایمت این شهر است و گرنه آن جر تفلیل که از پنجرا طایق پیداست، نمی تواند صمیمانه روی شانه کسی بنشیند. اصلاً برآزنده جر تفلیل نیست. اگر این کار را بکنند به

به زغم دستمزد اندک، کارگران تحویل مواد غذایی روز و شب در دوره کرونا به کار پرداختند. مخاطرات جانی و سلامتی این کارگران در دوره کرونا به دلیل ماهیت فعال و متحرک این کار، به شدت افزایش یافته است. مهم ترین کاری که آن ها انجام می دهند با دست است. با دست غذا را از مراکز تهیه غذا تحویل می گیرند و با همان دست غذا و موتورشان را می رانند و با دست، تحویل نامیه سهراب سپهری به احمد رضا احمدی: فروشنده می

به زغم دستمزد اندک، کارگران تحویل مواد غذایی روز و شب در دوره کرونا به کار پرداختند. مخاطرات جانی و سلامتی این کارگران در دوره کرونا به دلیل ماهیت فعال و متحرک این کار، به شدت افزایش یافته است. مهم ترین کاری که آن ها انجام می دهند با دست است. با دست غذا را از مراکز تهیه غذا تحویل می گیرند و با همان دست غذا و موتورشان را می رانند و با دست، تحویل نامیه سهراب سپهری به احمد رضا احمدی: فروشنده می

ایران مادران خوب دارد و روشنفکران بد

اصالت خانوادگی خود لطمه زده است. توی این شهر نمی شود نرم بود و جیا کرد و تهیبت گفت. نمی شود تریچه خورد. میان این ساختمان های سنگین، تریچه خوردن کار جلفی است. مثل این است که پخواهی یک آسمان خراش را غلغلک بدهی. باید رسوم این جا را شناخت. اینجا رسم این است که درخت برگ داشته باشد. در این شهر نعنای پیدا می شود ولی باید آن را صادقانه خورد. اینجا رسم نیست کسی امتداد بدهد. نباید فکر آدم روی زمین دراز بکشد. در اینجا از روی سیمان به بالا برای فکر کردن مناسب تر است و یا از فلز به آن طرف. من نقاشی می کنم، ولی نقاشی من نسبت به گالری های اینجا مورب است. نقاشی از آن کارهاست. پوست آدم را می کند و تازه طلبکار است ولی نباید به

از این نمونه ها آسیب های به جا خواهند گذاشت که گاه قابل جبران نیست. دکتر احسان رجائیان در تعریف فقر مطلق گفت:

گزارش «خبر جنوب» به مناسبت روز جهانی ریشه کنی فقر

غم نان اگر بگذارد...



توانایی انسان در تامین حداقل نیازهای اساسی مانند خوراک و پوشاک و مسکن در این رسته قرار دارد که فقر معیشتی نیز نامیده می شود. این نوع از فقر که علاوه بر آسیب های جسمی چون سوء تغذیه بر روح فرد به دلیل فشارهای روانی آسیب می زند،

غذای مردم را می رسانند



دخالی را دارند و دولت وظیفه دارد حق درمانی آن ها را پرداخت کند. با این حال، با وجود انواع مخاطرات برای سلامت و بهداشت کارگران غذایی، هم اکنون دولت و وزارت بهداشت حمایت چندانی حتی برای تامین ماسک و مواد بهداشتی ضروری این کارگران انجام نداده است. ماهیت بی شکل و فاقد تشکلی این کارگران نیز سبب شده است که قدرت بیان مطالبه خود را به شکل جمعی، موثر و منسجم نداشته باشند. فریبز، یکی دیگر از کارگرانی است که برای یکی مراکز تهیه مواد غذایی به عنوان پیک تحویل مواد غذایی کار می کند. او به خبرنگار ایلنا می گوید: «ما الان با شناسن زنده هستیم. هیچ گونه حمایت بهداشتی و درمانی از ما صورت نمی گیرد. وقتی من به عنوان یک کارگر روزانه با ده ها نفر از فروشندگان تا مشتری در منازل و رستوران ها مواجه هستم، مسلماً نیاز به ماسک استاندارد و مواد ضد عفونی کننده با بالاترین کیفیت را دارم اما چنین چیزی هرگز به ما تعلق نگرفته است و ما مجبوریم از دستمزد اندک برای خودمان ماسک و مواد ضد عفونی بخریم که در ماه هزینه زیادی را به ما تحمیل می کند.» اگر چه استفاده از ماسک در کشور و در اماکن عمومی و ادارت و سازمان ها اجباری اعلام شده است اما تا کنون هنوز طرحی برای ارائه لوازم بهداشتی مقابله با کرونا به طور فراگیر برای کارگران تدارک دیده نشده است. در نتیجه کارگران مجبورند از جیب خودشان و خانواده شان بزنند تا بتوانند ماسک، شیلد و مواد دیگر ضد عفونی و بهداشتی را فراهم کنند. شاید در نگاه اول، تهیه این مواد برای بسیاری آسان و ارزان باشد، اما برای یک کارگر که خانواده و زن و فرزند دارد و هر روز نیز باید هر چند ساعت یکبار ماسک خود را عوض کند، مسلماً هزینه اندکی ندارد. به خصوص که دستمزد این کارگران نیز بسیار اندک است و با کوچک ترین افزایش هزینه ای، به زندگی و معیشت خود این کارگران و خانواده های آن ها لطمات شدید وارد می شود.

حمایت اجتماعی اندک
حسین حبیبی در خصوص وضعیت بیمه کارگران تحویل مواد غذایی می گوید: «به استناد اصل ۲۹ قانون اساسی دولت باید از محل خزانه عمومی کشور تمامی اقشار کشور را بیمه کند. این کارگران در اغلب موارد بیمه نیستند. درباره کارگران غذایی نیز دولت می تواند حق بیمه سهم کارفرمای این قشر را به سازمان تامین اجتماعی بپردازد.» با این حال در بخش حمایت و بیمه اجتماعی نیز این کارگران در کشور نصیبی تاکنون نبرده اند. محمد علی، یکی از کارگران غذایی درباره وضعیت بیمه خود و همکاری اش می گوید: «اکثر ما کارگران تحویل مواد غذایی فاقد بیمه هستیم. اگر هم بخواهیم باید خودمان به شکل خویش فرما برویم و هزینه بیمه را بپردازیم که بسیار زیاد است و تقریباً برای یک کارگر مثل آرزوست. کارفرما هم اصلاً برایش مهم نیست که من کارگر باید بیمه باشم تا امیدوی به آینده داشته باشم. هیچ مستمندی و دریافتی هم در دوره کرونا نداشتیم. قیمت همه چیز هم که نجومی شده و ما هر روز مجبوریم از خوراک خود و خانواده مان بزمینیم.» با این اوصاف به نظر می رسد وضعیت کارگران غذایی در کشور مناسب نیست. در شرایطی که بخش عظیمی از مشاغل دور کار یا تعطیل شده اند و اکثر افراد در خانه به سر می برند، کارگران غذایی همچنان کسانی هستند که امنیت غذایی جامعه و مردم را تامین می کنند و به نظر می رسد دولت و نهادهای حمایتی باید برای این کارگران، حمایت اجتماعی و درمانی جامعی را در نظر بگیرد تا نظم توزیع و امنیت غذایی در جامعه دچار مشکل نشود.

است. اگر این کارگران به دلیل فشارهای دستمزدی کم، با معیشتی، روزی درست از کار بکنند، می فهمیم که انسان یعنی عجاتنا ایران مادرهای خوب دارد و غذاهای خوشمزه و روشنفکران بد و دشت های دلپذیر.»